

مجله علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)
سال چهارم، شماره سوم، (پیاپی ۱۴)، پاییز ۱۳۹۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱
صص: ۶۱-۷۶

سنجش و اولویت‌بندی مناطق روستایی بر حسب سطوح رفاه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان پارس آباد)

وکیل حیدری ساربان^{*۱}

۱- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

رفاه اجتماعی مردم و مکان‌های روستایی به عوامل زیادی از جمله اشتغال، درآمد مناسب، دسترسی به خدماتی مانند آموزش و بهداشت، سلامت، محیط طبیعی، امنیت و انجمن‌های قوی وابسته است و رفاه اجتماعی روستایی در برگیرنده یک سری از تدابیر و پشتیبانی‌های اجتماعی می‌باشد که با تکیه بر مشارکت افراد روستایی و نهادهای دولتی و غیر دولتی درگیر در مناطق روستایی برای پیشبرد برنامه‌های توسعه روستایی جهت ارضای نیازهای روستاییان ساکن در مناطق روستایی و حفظشان و کرامت انسانی آن‌ها صورت می‌گیرد. هدف این مقاله سنجش و اولویت‌بندی مناطق روستایی بر حسب سطوح رفاه اجتماعی با استفاده از تاپسیس فازی در شهرستان پارس‌آباد می‌باشد. روش کار به صورت میدانی بوده و اطلاعات از طریق پرسش‌نامه از ۱۹۶ نفر از روستاییان شهرستان پارس‌آباد جمع‌آوری گردیده است. ابزار تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته بود که روایی صوری آن با کسب نظرات صاحب‌نظران در دانشگاه و کارشناسان اجرایی مربوطه به دست آمد. آزمون مقدماتی نیز برای بدست آوردن پایایی ابزار پژوهش انجام گرفت و ضرایب آلفای کرونباخ (α) برای بخش‌های مختلف پرسش‌نامه بین ۰/۸۴ الی ۰/۹۷ محاسبه شد؛ و داده‌های بدست آمده با استفاده از تکنیک تاپسیس فازی مورد تحلیل قرار گرفتند. در نهایت، نتایج مدل تاپسیس فازی بر اساس وزن‌های محاسبه شده نشان داد که در بین دهستان‌های مناطق روستایی شهرستان پارس‌آباد؛ دهستان تازه‌کند و ساوالان از حیث رفاه اجتماعی در رده اول و دوم و قشلاق غربی در رده آخر قرار دارد. در نهایت، بر اساس نتایج پژوهش پیشنهادات کاربردی ارائه شده است.

واژه های کلیدی: رفاه اجتماعی، توسعه اجتماعی، توسعه روستایی، تاپسیس فازی، شهرستان پارس آباد.

مقدمه و طرح مسئله

در کشورهای توسعه یافته یکی از هدف‌های مهم سیاست‌گذاران اقتصادی ارتقای رفاه اجتماعی در جامعه است. در کشورهای در حال توسعه نیز فقط رشد اقتصادی هدف تلقی نمی‌شود، بلکه این کشورها همگام با کشورهای توسعه یافته افزایش رفاه اجتماعی را هم یکی از اهداف اصلی و از معیارهای توسعه‌یافتگی در نظر می‌گیرند (طراز کار و زیبایی، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

متون توسعه نشان می‌دهد که بین بهبود وضع روستاییان و افزایش رفاه اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد و باید اقداماتی در راستای ارتقای رفاه اجتماعی فقیرترین اقشار جوامع روستایی صورت گیرد و اگر چه در ایران سابقه اقدامات مربوط به تأمین اجتماعی، حمایت از فقرا و افراد آسیب پذیر روستایی، حداقل چهل سال سابقه دارد، اما دستاوردهای برنامه‌ها از حیث کاهش فقر و آسیب‌پذیری در نواحی روستایی کشور جالب توجه نیست و کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی مردم و مکان‌های روستایی به عوامل زیادی از جمله اشتغال، درآمد مناسب، دسترسی به خدماتی مانند آموزش و بهداشت، سلامت، محیط طبیعی، امنیت، و انجمن‌های قوی وابسته است (حیدری ساربان، ۱۳۹۳) و رفاه اجتماعی روستایی در برگیرنده یک سری از تدابیر و پشتیبانی‌های اجتماعی می‌باشد که با تکیه بر مشارکت افراد روستایی و نهادهای دولتی و غیردولتی درگیر در مناطق روستایی برای پیشبرد برنامه‌های توسعه روستایی جهت ارضای نیازهای روستاییان ساکن در مناطق روستایی و حفظشان و کرامت انسانی آنها صورت می‌گیرد (Fitzpatrick, 1993: 45-47) گفتنی است تاکنون مطالعات چندی پیرامون رفاه اجتماعی روستایی صورت گرفته ولی در رابطه با به کار گیری مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره و به ویژه تکنیک تاپسیس فازی در سطح کشور- در ارتباط با اولویت بندی رفاه اجتماعی در مناطق روستایی- مطالعاتی انجام نشده است. بنابراین نقطه قوت این تحقیق به کار گیری تکنیک تاپسیس فازی جهت اولویت‌بندی رفاه اجتماعی مناطق روستایی شهرستان پارس آباد (بر اساس شاخص‌های رفاه اجتماعی) بوده است و ویژگی دیگر آن توجه به تعادل‌های فضایی در برخورداری از رفاه اجتماعی است که یکی از اصول زمینه‌سازی تحقق عدالت اجتماعی و پایدار اجتماعی می‌باشد. بر این اساس، سؤال کلیدی این تحقیق، که به نوعی هدف تحقیق نیز می‌باشد، شکل می‌گیرد که بر اساس مدل چند متغیره تاپسیس فازی، کدام یک از دهستان‌های شهرستان پارس آباد از سطح رفاه اجتماعی بالاتری - بر اساس شاخص‌ها و داده‌های مورد استفاده - برخوردار می‌باشد؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند در تعیین اولویت‌های برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی در راستای برقراری تعادل‌های فضایی و نیل به سمت عدالت اجتماعی هم در درون شهرستان و هم در سطح استان مفید باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از معرف‌های پیشرفت جوامع، بالا بودن شاخص‌های مربوط به رفاه اجتماعی است. اهمیتی که مقوله رفاه و سیاست اجتماعی پس از پیامدهای منفی انقلاب صنعتی و بحران نظام سرمایه‌داری پیدا کرد موجب شکل‌گیری فعالیت‌های آکادمیک در شرح، تحلیل، ارزیابی و افزایش رفاه اجتماعی - همزمان با ظهور اولین دولت‌های رفاهی - شده و تا به امروز هم ادامه داشته است. از اواخر قرن نوزده به بعد همواره در همه جوامع اقداماتی برای بهبود رفاه اجتماعی شهروندان صورت گرفته است. پیامد اقدامات صورت گرفته برای فراهم آوردن امکانات و خدمات رفاهی، با وجود بالا رفتن سطح کلی رفاه اجتماعی جوامع، به وجود آمدن نابرابری‌های اجتماعی درون منطقه ای و بین منطقه‌ای بوده است. رفاه اجتماعی در ایران به دلیل کم توجهی به اصل عدالت اجتماعی و تمرکزگرایی بودن برنامه‌ها، منجر به این شده است که سیاست‌ها و اقدامات رفاهی که عمدتاً در قالب برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای به اجرا درآمده‌اند، موجب ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح سرزمینی شوند (کرمی، لطفی، ۱۳۸۷: ۷۷-۷۶).

اهداف

هدف این مقاله سنجش و اولویت‌بندی مناطق روستایی شهرستان پارس‌آباد بر حسب سطوح رفاه اجتماعی می‌باشد. به این منظور پس از اشاره کوتاهی به شواهد تجربی پیرامون موضوع، با استفاده از تکنیک تاپسیس فازی به اولویت‌بندی مناطق روستایی شهرستان پارس‌آباد پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در جهان و ایران پیرامون رفاه اجتماعی روستایی صورت گرفته در زیر به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

رکن‌الدین افتخاری و توکلی (۱۳۸۲)، در توصیف، اندازه‌گیری و تحلیل رفاه اجتماعی روستایی زمینه‌های مختلفی از جمله شرایط محیطی عینی (دسترسی‌ها، امکانات و دستیابی‌ها)، شرایط محیطی ذهنی (احساس رضایت، بی‌اعتنایی و احساس محرومیت)، شرایط دروندادی نظام اجتماعی (وضعیت، شرایط و امکانات موجود) و شرایط برون‌دادی نظام اجتماعی (انعکاس یافته در بهداشت فردی) را مدنظر قرار داده‌اند. یوسفی شیخ رباط (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی سطح تغییرات رفاه اجتماعی مناطق شهری و روستایی» دریافت که روند رفاهی مناطق شهری و روستایی کشور مثبت ارزیابی شده ولی نابرابری‌های بین شهر و روستا با گذشت زمان تشدید می‌شود. محمد عمرانی و همکاران (۱۳۸۸)، تحت پژوهشی با عنوان «عوامل‌های تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه سیستان» به بررسی کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۷۶ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که سن سرپرست خانوار، ترکیب سنی فرزندان و هم‌چنین بعد خانوار از مهم‌ترین عامل‌های تعیین‌کننده فقر در مناطق روستایی شهرستان زابل است. رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی، مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان دلفان» نشان دادند

که در روستاهای مورد مطالعه کیفیت آموزش، محیط مسکونی، محیط فیزیکی، سلامت، امنیت و نیز کیفیت درآمد و اشتغال پایین‌تر از حد متوسط و کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی در حد متوسط ارزیابی شده است. هم‌چنین موقعیت مکانی و بعد فاصله از عوامل موثر در کیفیت زندگی روستاهای نمونه معرفی شده است. نتایج تحقیقات حیدری ساربان (۱۳۹۳) با عنوان «تبیین عوامل موثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی، مطالعه موردی: شهرستان مشکین‌شهر» نشان داد که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ارتقای رفاه اجتماعی ساکن در منطقه مورد مطالعه شامل شش مؤلفه (توانمندسازی اقتصادی و باز توزیع درآمد، توانمندسازی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی، توانمندسازی محیطی، نهادسازی و ارتقای پذیرش اجتماعی، توانمندسازی روان‌شناختی، تقویت مشارکت اجتماعی و ارائه خدمات ترویجی) است که مقدار واریانس و واریانس تجمعی تبیین شده توسط این شش عامل ۶۸/۵ می‌باشد. بود جون^۱ (۱۹۹۳) در تحقیقی با عنوان «تغییرات قیمت غذا و اثرات آن بر رفاه روستایی» نشان داد که بین میزان درآمد، الگوی مصرف خانوار و دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی با ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی در مناطق روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. دورقابای^۲ (۲۰۰۴) در یافته‌های میدانی خود با عنوان «رفاه اجتماعی روستایی در هند» به این نتیجه رسید که هر چه قدر بهزیستی فردی، میزان درآمد، رضایت شغلی و امنیت در جامعه روستایی بیشتر باشد به همان میزان در وضعیت رفاه اجتماعی جوامع روستایی تغییرات ملموسی حاصل می‌شود. حاصل مطالعات صحرایی ورنر^۳ (۲۰۰۵) با عنوان «تحلیل توسعه پایدار و رفاه اجتماعی» نشان داد کیفیت زندگی در مناطق روستایی تابعی از کیفیت محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی می‌باشد. رمزی و اسمیت^۴ (۲۰۰۷) دریافتند هر چه قدر وضعیت مسکن و پتانسیل طبیعی روستا از سطح قابل قبولی برخوردار بوده و دسترسی به خدمات آموزشی، بهداشتی و سلامت برای روستاییان سهل و آسان باشد به همان میزان شاخص‌های رفاه اجتماعی بالا می‌رود. پاول و کومار^۵ (۲۰۰۵) نشان دادند که بین عضویت در تشکلهای مدنی، سرمایه اجتماعی و مکان‌گزینی روستا با ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بولوک و سوسی^۶ (۲۰۰۱)، در تحقیق خود پیرامون «تحلیلی از به‌کارگیری فن‌آوری و اثرات آن در کیفیت زندگی اجتماعات غربی تگزاس» بهبود کیفیت زندگی جوامع روستایی را متضمن آن می‌دانند که جوامع روستایی از زندگی خود ارزیابی مثبتی داشته باشند. واکس و آناستاسیوس^۷ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «تغییرات در رفاه اجتماعی و ناپایداری» ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی را در مناطق روستایی تابعی از بعد خانوار، الگوی مصرف خانوار، وضعیت مسکن و بهزیستی فردی می‌داند. در نهایت متغیرهای تحقیق در خصوص سنجش رفاه اجتماعی در نواحی روستایی در جدول (۱) و چارچوب نظری پژوهش با توجه به مرور ادبیات و پیش‌نگاشته‌های موضوع و بر اساس اهداف پژوهش در شکل (۱) ارائه شده است.

1. Budd John

2. Dorgubai

3. Werner

4. Ramsy and Smit

5. Paul and Kumar

6. Bullock and Sucie

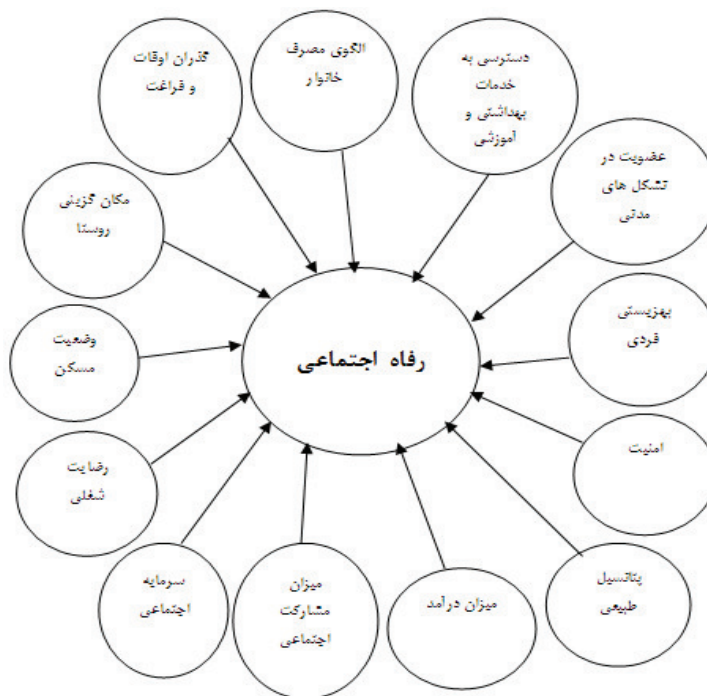
7. Moro

جدول (۱): معرفی پژوهش‌های انجام شده در خصوص سنجش و اولویت‌بندی نواحی روستایی بر حسب سطوح رفاه

اجتماعی

پژوهشگر	عنوان پژوهش	متغیرهای مورد مطالعه
رکن‌الدین افتخاری و توکلی (۱۳۸۲)	تحلیل فضایی رفاه اجتماعی روستایی و ارائه الگوی بهینه آن	شرایط محیطی عینی، شرایط محیطی ذهنی، دروندادی نظام اجتماعی و شرایط بروندادی نظام اجتماعی
یوسفی شیخ رباط (۱۳۸۴)	بررسی سطح تغییرات رفاه اجتماعی مناطق شهری و روستایی	مثبت ارزیابی شدن روند رفاهی مناطق شهری و روستایی کشور و تشدید نابرابری‌های بین شهر و روستا
افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)	ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی، مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان دلفان	محیط فیزیکی، سلامت، امنیت و نیز کیفیت درآمد و اشتغال پایین‌تر از حد متوسط و کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی در حد متوسط
حیدری ساربان (۱۳۹۳)	تبیین عوامل موثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی، مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر	مقدار واریانس و واریانس تجمعی تبیین شده عامل‌های توانمندسازی اقتصادی و باز توزیع درآمد، توانمندسازی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی، توانمندسازی محیطی، نهاد سازی و ارتقای پذیرش اجتماعی، توانمندسازی روان شناختی، تقویت مشارکت اجتماعی و ارائه خدمات ترویجی به مقدار ۶۸/۵ درصد می‌باشد
بود جون (۱۹۹۳)	تغییرات قیمت غذا و اثرات آن بر رفاه روستایی	میزان درآمد، الگوی مصرف خانوار و دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی
دورقابای (۲۰۰۴)	رفاه اجتماعی روستایی در هند	بهریستی فردی، میزان درآمد، رضایت شغلی و امنیت
ورنر (۲۰۰۰)	تحلیل توسعه پایدار و رفاه اجتماعی	کیفیت محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی
بولوک و سوسی (۲۰۰۱)	تحلیلی از به‌کارگیری فن آوری و اثرات آن در کیفیت زندگی اجتماعات روستایی	بهبود کیفیت زندگی جوامع روستایی تابعی از خود ارزیابی مثبت جوامع روستایی از زندگی خود می‌باشد
وواکی و آناستاسیوس (۲۰۰۵)	تغییرات در رفاه اجتماعی روستایی و ناپایداری	بعد خانوار، الگوی مصرف خانوار، وضعیت مسکن و بهریستی فردی

مأخذ: یافته‌های پژوهش



شکل ۱- چارچوب نظری پژوهش

روش تحقیق

هدف کلی این تحقیق سنجش و اولویت‌بندی مناطق روستایی بر حسب سطوح رفاه اجتماعی می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه به روستائیان ساکن در نواحی روستایی شهرستان پارس آباد - که جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دادند - مراجعه شد. در این میان تعداد کل جمعیت روستایی شهرستان پارس آباد ۷۸۳۵۰ نفر برآورد گردید. حجم نمونه مورد مطالعه با استفاده از فرمول کوکران ۱۹۶ نفر تعیین گردید برای بالا بردن میزان اعتبار و دقت یافته‌ها، حجم اعضای به ۲۰۰ نفر افزایش یافت. همان‌طوری که گفته شد ابزار تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته بود که روایی صوری آن با کسب نظرات صاحب‌نظران در دانشگاه و کارشناسان اجرایی مربوطه به دست آمد. آزمون مقدماتی نیز برای بدست آوردن پایایی ابزار پژوهش انجام گرفت و ضرایب آلفای کرونباخ (α) برای بخش‌های مختلف پرسش‌نامه بین ۰/۸۴ الی ۰/۹۷ محاسبه شد. هم‌چنین از طریق ابزار پرسش‌نامه، مؤلفه‌های رفاه اجتماعی به کمک ۵۵ سؤال بسته‌مورد سنجش قرار گرفت و برای امتیازدهی آن از طیف پنج‌قسمتی لیکرت استفاده گردید. در مرحله امتیازدهی، از آن‌جا که دسته‌ای از سؤالات در جهت منفی مطرح شده‌اند، با استفاده از نرم افزار SPSS، کدگذاری مجدد برای این دسته از سؤالات انجام شد. بنابراین، امتیاز پاسخ‌ها در سؤالات با جهت مثبت به صورت: ۵= کاملاً موافقم، ۴= موافقم، ۳= نظری ندارم، ۲= مخالفم و ۱= کاملاً مخالفم و در مورد سؤالات منفی عکس این حالت می‌باشد؛ و متغیرهای تحقیق حاضر عبارتند از: دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، عضویت در تشکلهای مدنی، بهزیستی فردی و امنیت،

پتانسیل طبیعی، میزان درآمد، الگوی مصرف خانوار، سرمایه اجتماعی، رضایت شغلی، وضعیت مسکن، مکان‌گزینی روستا، گذران اوقات فراغت و میزان مشارکت اجتماعی و در نهایت، داده‌های بدست آمده با استفاده از تکنیک تاپسیس فازی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

تکنیک تاپسیس فازی

تاکنون از روش‌ها و مدل‌های متفاوتی برای سنجش و اولویت‌بندی رفاه اجتماعی در مناطق روستایی استفاده شده است که در این میان بهره‌گیری از روش‌های چند شاخصه، دارای اهمیت بیشتری است. استفاده از رویکرد فازی در تصمیم‌گیری‌های چند شاخصه، به اهمیت نسبی شاخص‌های مورد استفاده بستگی دارد. رویکردهای متفاوتی برای رتبه‌بندی ارقام فازی وجود دارد. در این بین، روش کوفمن و گاپتا به دلیل سهولت و سادگی آن، به ویژه برای ارقام فازی مثلثی، دارای شهرت بیشتری است.

در این تحقیق، برای تصمیم‌گیری چند شاخصه فازی به شیوه فازی، تعیین گزینه و شاخص‌های مرتبط با موضوع و اولویت‌بندی، تبدیل گزینه‌های اندازه‌گیری شده به ارقام فازی، تعیین وزن شاخص‌ها و رتبه‌بندی گزینه‌ها با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه تاپسیس فازی به مرحله اجرا گذاشته شده است و تاپسیس فازی روشی است که در آن عناصر ماتریس یا وزن‌های متعلق به هر شاخص به صورت فازی بیان می‌شوند. برای انجام عملیات به شیوه تاپسیس فازی، می‌توان از روش‌های متفاوتی بهره گرفت که از متداول‌ترین آن‌ها روش وضع شده به وسیله «چن و هوانگ» است. در این روش مراحل زیر به اجرا گذاشته می‌شود (پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹)

مراحل انجام تکنیک تاپسیس فازی

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده‌ها بر اساس n گزینه و k شاخص.

مرحله دوم: استاندارد سازی داده‌ها: بدین منظور لازم است که ابتدا حداکثر میزان هر ستون X_j^+ و حداقل آن X_j^- مشخص گردد. و با بهره‌گیری از روابط ذیل، به استاندارد سازی ماتریس تصمیم اقدام شود. (پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹)

اگر اعداد فازی به صورت مثلثی باشند، به طوری که $\tilde{X}_j^+ = (a_j^+, b_j^+, c_j^+)$ بیشترین و $\tilde{X}_j^- = (a_j^-, b_j^-, c_j^-)$ کمترین امتیازات را به خود اختصاص داده باشند، می‌توان به دو شیوه ذیل و با بهره‌برداری از توابع (۱) و (۲) اقدام به استاندارد سازی ماتریس تصمیم نمود.

$$\tilde{r}_{ij} = \begin{cases} \left(\frac{a_{ij}}{c_j^+}, \frac{b_{ij}}{b_j^+}, \frac{c_{ij}}{a_j^+} \right), & i = 1, 2, \dots, m, j \in B \quad \text{جنبه مثبت} \\ \left(\frac{a_j^-}{c_{ij}}, \frac{b_j^-}{b_{ij}}, \frac{c_j^-}{a_{ij}} \right), & i = 1, 2, \dots, m, j \in B \quad \text{جنبه منفی} \end{cases} \quad \text{تابع (۱)}$$

$$\tilde{r}_{ij} = \begin{cases} \left(\frac{a_{ij}}{c_j^+}, \frac{b_{ij}}{c_j^+}, \frac{c_{ij}}{c_j^+} \right), i = 1, 2, \dots, m, j \in B & \text{جنبه مثبت} \\ \left(\frac{a_j^-}{c_{ij}}, \frac{b_j^-}{c_{ij}}, \frac{c_j^-}{c_{ij}} \right), i = 1, 2, \dots, m, j \in B & \text{جنبه منفی} \end{cases} \quad \text{تابع (۲)}$$

$$c_j^* = \max c_{ij}, j \in B$$

$$a_j^- = \min a_{ij}, j \in B$$

مرحله سوم: محاسبه ماتریس استاندارد وزن دار: پس از تشکیل ماتریس استاندارد، می‌توان ماتریس استاندارد وزن دار را از طریق تابع (۳) محاسبه کرد.

$$v_{ij} = r_{ij} w_j \quad \text{تابع (۳)}$$

مرحله چهارم: محاسبه ایده آل مثبت و منفی: اکنون می‌توان جواب ایده آل مثبت (A^+) و جواب ایده آل منفی (A^-) را برای اعداد فازی مثلثی از طریق تابع (۴) برآورد نمود.

$$M(v_{ij}) = \frac{-a_{ij}^2 + c_j^-}{3} \quad \text{تابع (۴)}$$

مرحله پنجم: محاسبه هر گزینه از ایده آل مثبت (s_i^+) و منفی (s_i^-) است که این مرحله به صورت ذیل محاسبه می‌شود. اگر $v_i^+ = (a^+, b^+, c^+)$ و $v_i^- = (a^-, b^-, c^-)$ باشند، آن گاه می‌توان اعداد مثلث فازی را به صورت توابع (۵) و (۶) تعمیم داد.

$$D_{ij}^+ = \begin{cases} \frac{c_{ij} - a^+}{1 - b^+ + c_{ij} - a^+ - b_{ij}} & \text{برای } (b_{ij} < b^+) \\ \frac{c^+ - a_{ij}}{1 - b_{ij} + c^+ - a_{ij} - b^+} & \text{برای } (b^+ < b_{ij}) \end{cases} \quad \text{تابع (۵)}$$

$$D_{ij}^- = \begin{cases} \frac{c^- - a_{ij}}{1 - b_{ij} + c^- - a_{ij} - b^-} & \text{برای } (b < b^+) \\ \frac{c_{ij} - a^-}{1 - b^- + c_{ij} - a^- - b_{ij}} & \text{برای } (b_{ij} < b^-) \end{cases} \quad \text{تابع (۶)}$$

مرحله ششم: در مرحله نهایی می‌توان نزدیکی نسبی هر گزینه به ایده آل‌ها را که از طریق تابع (۷) برآورد می‌شود، محاسبه کرد.

$$C_i^+ = \frac{s_i^+}{s_i^+ + s_i^-} \quad \text{تابع (۷)}$$

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

متون توسعه نشان می‌دهد که رفاه اجتماعی مهم‌ترین بخش مفاهیم توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد که امکان تأمین نیازهای نسل امروز بدون از بین بردن توانمندی‌های نسل آینده برای دستیابی به نیازهایشان را فراهم می‌کند

(جهان بین، نوری، ۱۳۹۲: ۴۴) از نظر سازمان ملل متحد رفاه اجتماعی عبارتست از دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می‌شود. (ربانی، و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۲) و رفاه اجتماعی سیستمی جامع از خدمات اجتماعی، برنامه‌ها، امکانات و امنیت اجتماعی است که به منظور گسترش توسعه اجتماعی، عدالت اجتماعی و نقش اجتماعی مردم به کار می‌رود و بدین ترتیب باعث توسعه پایدار وضعیت بهزیستی خانواده‌ها و کل جامعه می‌گردد (نوری، ۱۳۸۰: ۷۱). رفاه اجتماعی تعبیری است که بیشتر به یک وضعیت چند جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معطوف است و حفظشان انسان‌ها و مسئولیت پذیری جامعه در قبال آن و ارتقای توانمندی کلیت جامعه در عرصه‌های فردی و جمعی از اهداف اساسی آن است (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۱) افزون بر این، رفاه اجتماعی یک واقعیت انکار ناپذیر برای سعادت و بهروزی هر جامعه و یا اجتماع می‌باشد (Midgeley, 2000: 25) ولادیمیر داخین محقق روسی درباره ارتباط رفاه اجتماعی و توسعه معتقد است رفاه اجتماعی، اساس تمامی پارامترهای توسعه است و کیفیت آن می‌تواند تنوع و تفاوت توسعه را توجیه کند (عینالی، ۱۳۸۰: ۳۸) مطالعات نشان می‌دهد که رفاه اجتماعی مفهوم عام و خاص را در بر می‌گیرد که در مفهوم عام رفاه اجتماعی عنوان‌هایی نظیر خدمات اجتماعی، حقوق عمومی و شهروندی را یادآور می‌شود و منظور از آن التفات به ساختار اجتماعی بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که دو بعد مادی و معنوی را شامل می‌شود. بعد مادی بر تأمین نیازهای اساسی، خوراک، پوشاک، شغل، مسکن، بهداشت و درمان تاکید دارد. بعد معنوی را نیز می‌توان شامل موارد زیر دانست: تعلیم و تربیت، ریشه کنی جهل و بی سواد، حمایت قانونی از حقوق ملت و برخورداری از حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، التفات به خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی و تأمین قداست و فضیلت در پرتو جلوگیری از انحرافات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۲۰) رفاه اجتماعی امری است واقعی با ابعادی گسترده و شاخص‌های متنوع نسبی و متأثر از شرایط فرهنگی و اجتماعی متأثر از شرایط زمانی و مکانی و دارای دست کم یک ویژگی مهم و آن این‌که، مقوله رفاه اجتماعی مترادف یا دربردارنده نوعی مطلوبیت و لذت برای فرد است که اکثراً با معیارهای پولی و مادی سنجیده می‌شود. اگر چه مفهوم رفاه نباید تنها از بعد مادی محض مورد نظر قرار گیرد (Barry, 199: 10).

رویکردها و نظریه‌های مربوط به رفاه، مطابق تقسیم‌بندی عام در جامعه‌شناسی، بیشتر به دو نوع نگرش «جمع‌گرایانه» و «فردگرایانه» قابل تقسیم است؛ که به تبع آن، راه‌حل‌هایی نیز حول آن شکل گرفته است. طرفداران رویکرد فردگرایانه بر این باورند که پیشرفت‌های رفاهی فقط تابع نظام بازار بوده و از طریق مکانیزم تولید محصولات و کالاهای مورد استفاده عموم مورد نظر افراد می‌باشد، امکان پذیر می‌گردد، طرفداران نظریه جمع‌گرایانه کسانی هستند که ضرورت‌های رفاهی را بعد جمعی تعبیر و تفسیر می‌کنند. از دیدگاه این‌ها یک رشته ارزش‌های اجتماعی وجود دارد که باید مستقل از اختیارات افراد ارتقای یابد از این دیدگاه، پدیده‌های جمعی از لحاظ چگونگی کاهش فقر و محرومیت و میزان ارتقای مساوات با هم مقایسه می‌شوند و در آن ابزار و آلات رفاهی بر اساس عملکرد مربوط به بالا بردن میزان کالاهای مادی بررسی می‌شوند (میجلی، ۱۳۷۸: ۱۴۰). رویکردهای رفاه

به دو بخش عینی و ذهنی تقسیم می‌شود که امروزه در مطالعات رفاه، هم شاخص‌های عینی و هم شاخص‌های ذهنی در نظر گرفته می‌شود. (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲).

همان طوری که به نوعی بیان شد رفاه اجتماعی را در قالب نیازهای ضروری همانند اشتغال، مسکن، اوقات فراغت، پوشاک، آموزش، بهداشت و تغذیه برای افراد ناتوان و فاقد ابزارهای درآمدی و دسترسی همانند کودکان، سالمندان، معلولان، زنان سرپرست خانوار و آسیب دیدگان اجتماعی و به خصوص روستاییان تعریف می‌کنند و متون مربوط به جامعه‌شناسی و اقتصادی نشانگر این امر می‌باشد که متغیر رفاه و بهزیستی تنها اقشار در معرض آسیب و فقیر جامعه را در بر نمی‌گیرد بلکه دارای ابعاد وسیع می‌باشد. یکی از ویژگی‌های بارز رفاه اجتماعی آن است که افراد در جامعه این احساس را داشته باشند که از سلامت، سرزندگی و امنیت بیشتری برخوردار هستند (Hewstone, Strobe, 2001). شاخص‌های رفاه اجتماعی به کار گرفته شده از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی شامل آموزش و یادگیری، بهداشت، اشتغال، اوقات و فراغت، موقعیت اقتصادی فرد، محیط فیزیکی زیست، محیط و روابط اجتماعی، امنیت فردی و اجتماعی، مشارکت اجتماعی و فرصت‌های اجتماعی می‌باشد (لطیفی و قیداری، ۱۳۹۰: ۱۷۱) برای بررسی شاخص‌های رفاه اجتماعی می‌توان از مدل‌های گوناگونی استفاده کرد که در زیر به نمونه‌هایی از آن پرداخته می‌شود. شاخص رفاه اجتماعی شامل سه بعد؛ شاخص کمی رفاه اجتماعی، شاخص‌های کیفی رفاه اجتماعی و شاخص‌های منفی رفاه اجتماعی هستند. شاخص‌های کمی رفاه اجتماعی شامل، درآمد سرانه، اشتغال، سال‌های امید به زندگی، میزان با سواد، مرگ و میر کودکان، توزیع درآمد، توسعه انسانی، مشارکت اجتماعی، فعالیت زنان، شاخص‌های کیفی رفاه اجتماعی شامل آزادی انتخاب، عزت نفس اجتماعی، امنیت اجتماعی، و شاخص‌های منفی رفاه اجتماعی نیز شامل تورم، فقر، سوء تغذیه، عدم اطمینان، تبعیض جنسیتی، معلولیت جسمی و ذهنی، و آلودگی محیط زیست هستند (مدنی، ۱۳۷۹: ۱۶). تکامل مفهومی توسعه در قالب توسعه پایدار و فصل مشترک آن با رفاه اجتماعی زمینه تقویت رویکرد جدیدی شده که چالش‌های فکری خاصی را به دنبال داشته است. با این رفاه اجتماعی روستایی را فرآیندی مستمر و پویا و پایدار که منجر به ایجاد مجموعه شرایط و کیفیت‌ها در توانمندسازی مردم روستایی از طریق دولت، نهادهای مدنی و سازمان‌های مسئول برای بهبود مستمر زندگی و کیفیت آنان منجر گردد، می‌دانند (رکن‌الدین افتخاری، توکلی، ۱۳۸۲: ۶۶) و اهداف رفاه اجتماعی روستایی عبارتند از: تأمین مساوات بین نسل‌ها، تأمین فرصت‌های اجتماعی برابر، کاهش فقر، توانمندسازی، امنیت انسانی و اقتصادی، آگاه‌سازی، اشتغال، مشارکت، تأمین نیازها و این اهداف در قالب رهیافت‌های فرد روستایی، جامعه روستایی، محیط و تعامل فرد، جامعه و محیط قابل دستیابی است. (توکلی، ۱۳۸۲: ۵).

تحلیل یافته‌ها

در این تحقیق سعی شد جهت تبیین این فرضیه که دهستان‌های شهرستان پارس آباد به لحاظ شاخص‌های رفاه اجتماعی با یکدیگر متفاوت است ابتدا به منظور نمایش چگونگی مراحل انجام ارزیابی و اولویت‌بندی و نیز به جهت سهولت تشریح مدل، ۱۲ شاخص موثر بر رفاه اجتماعی مناطق روستایی شهرستان پارس آباد انتخاب گردید.

هم چنین جهت تعیین وزن شاخص‌ها ضمن استفاده از تجربیات جهانی از ۳۰ نفر از مروجان جهاد کشاورزی و کارشناسان توسعه روستایی به شکل پرسش نامه و بر اساس مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های تبیین کننده در قالب طیف «خیلی مهم، مهم و غیر مهم» که به ترتیب مقادیر فازی آنان برابر با (۱۰،۵،۰)، (۱۰،۵،۰) و (۵،۰،۰) بوده تعیین شد. علاوه بر این، همان‌طوری که جدول (۲) نشان می‌دهد با مطالعه وضعیت شاخص‌های رفاه اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان پارس آباد، در نهایت ۱۲ شاخص به شیوه غربال زنی به عنوان شاخص‌های رفاه اجتماعی از میان خیل عظیم شاخص‌ها انتخاب شدند که بدین شرح اند: دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، عضویت در تشکل‌های مدنی، بهزیستی فردی و امنیت، پتانسیل طبیعی، میزان درآمد، الگوی مصرف خانوار، سرمایه اجتماعی، رضایت شغلی، وضعیت مسکن، مکان‌گزینی روستا، گذران اوقات و فراغت و میزان مشارکت اجتماعی می‌باشد. پس از آن بر اساس فنون نرم تصمیم‌گیری، به طراحی مدل تحقیق پرداخته شده است. چون که فرض بر این است که ملاک و معیار کیفیت زندگی همان شاخص‌ها هستند که می‌توانند ابزاری مفید برای نظارت و کنترل روندها ارائه کنند و تغییرات را به خوبی منعکس سازند.

جدول (۲): میزان رفاه اجتماعی به تفکیک دهستان‌های شهرستان پارس آباد

عضویت در تشکل‌های مدنی	بهزیستی فردی و امنیت	پتانسیل منابع طبیعی	میزان درآمد	الگوی مصرف خانوار	سرمایه اجتماعی	رضایت شغلی	وضعیت مسکن	مکان‌گزینی روستا	نخه‌گذاران اوقات و فراغت	میزان مشارکت اجتماعی	دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی
۳۲	۲۷	۲۸/۶۵	۲۸/۲۶	۲۴/۳۵	۲۶/۲۵	۳۴/۶۵	۳۱/۳۱	۳۶/۴۲	۳۱/۶۹	۳۲/۳۲	۲۵
۱۹/۳۲	۴۳/۳۲	۴۱/۶۵	۱۷/۳۵	۱۸/۶۵	۱۶/۳۲	۱۴/۲۳	۱۵/۷۸	۳۱/۲۶	۲۵/۲۳	۲۷/۲۵	۳۲
۱۷/۳۶	۱۷/۸۵	۳۴	۱۵/۵۴	۳۶/۳۶	۸/۳۲	۴۵/۵۲	۲۱/۵۲	۳۱/۳۵	۲۷/۲۵	۲۳/۳۶	۱۸/۶۵
۲۱/۱۸	۱۷/۱۹	۱۷/۲۵	۲۱/۲۱	۲۴/۲۳	۳۷/۲۱	۳۲/۵۶	۳۶/۲۱	۲۸/۲۲	۳۵/۳۶	۵۵/۳۵	۴۳/۶۵
۱۳/۲۴	۲۶/۳۲	۲۱/۴۵	۳۱/۷۵	۲۴/۳۵	۱۴/۳۲	۲۲/۲۱	۱۹/۱۶	۱۵/۸۲	۱۶/۶۴	۱۶/۱۳	۱۷/۱۵
۱۴/۷۶	۱۶/۹۴	۱۹/۸۵	۲۴/۱۶	۲۴/۵۶	۲۶/۶۵	۳۶/۶۵	۴۱/۶۸	۴۶/۳۵	۲۱/۶۵	۱۶/۳۶	۲۴/۳۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

علاوه بر این، بر اساس داده‌های خام حاصل از پرسش نامه، به طیف بندی مقادیر هر شاخص به تفکیک دهستان‌های شهرستان در قالب گزینه‌های «خیلی مناسب، مناسب و نامناسب» که به ترتیب مقادیر فازی (۱۰،۵،۰)، (۵،۰،۰) و (۱۰،۵،۰) نشان داده شده‌اند. اقدام گردید، تا ماتریس فازی شاخص‌ها بدست آید، بعد از تشکیل ماتریس داده‌های فازی، استاندارد سازی آن‌ها بر اساس تابع (۱) بدست آمد. آن گاه وزن هر شاخص‌ها از طریق کارشناسان

مطابق جدول (۳) در قالب طیف «خیلی مهم، مهم و غیر مهم» که به ترتیب مقادیر فازی آن‌ها برابر (۵،۱۰،۱۰)، (۱۰،۵،۰) و (۵،۰،۰) است تعیین شد تا ماتریس وزنی داده‌ها مطابق تابع (۳) محاسبه گردد.

جدول (۳): وزن فازی هر یک از شاخص‌ها

شاخص‌های تحقیق											
شاخص‌ها	عضویت در تشکلات محلی	بهره‌مندی فردی و امنیت	پتانسیل منابع طبیعی	میزان درآمد	الگوی مصرف خانوار	همبستگی اجتماعی	رضایت شغلی	وضعیت مسکن	مکان‌گزینی روستا	نحوه‌گذاران اوقات فراغت	میزان مشارکت اجتماعی
وزن‌ها	(۵،۵،۱۰)	(۵،۵،۱۰)	(۵،۵،۱۰)	(۵،۵،۱۰)	(۵،۵،۱۰)	(۱۰،۰،۵)	(۵،۱۰،۱۰)	(۵،۱۰،۱۰)	(۵،۱۰،۱۰)	(۵،۱۰)	(۵،۱۰)
دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی											

مأخذ: یافته‌های پژوهش

سپس مقادیر حداکثر و حداقل هر شاخص مطابق توابع (۵) و (۶) تعیین شد تا فاصله هر گزینه از ایده آل مثبت (S_i^+) و منفی (S_i^-) به دست آید. آن‌گاه می‌توان نزدیکی نسبی هر گزینه به ایده آل‌ها C_i^+ را از طریق تابع (۷) محاسبه کرد. این مقدار در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴): اولویت بندی سطح رفاه اجتماعی در سطح دهستان‌های شهرستان‌های پارس آباد

دهستان‌ها	S_i^+	S_i^-	ضریب C_i^+
ساوالان	۱۳/۲۳	۱۲/۲۵	۰/۵۴۰
قشلاق شمالی	۱۵/۱۵	۱۶/۳۵	۰/۴۸۰
اصلاندوز	۱۲/۳۲	۱۱/۲۵	۰/۵۲۲
قشلاق غربی	۱۰/۱۱	۱۱/۳۵	۰/۴۷۱
محمودآباد	۱۱/۲۴	۱۲/۲۳	۰/۴۷۸
تازه‌کند	۱۷/۶۵	۱۳/۲۴	۰/۵۷۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بدین ترتیب همان طور که مشاهده می‌شود نتایج مدل تاپسیس فازی بر اساس وزن‌های محاسبه شده نشان می‌دهد که در بین دهستان‌های نواحی روستایی شهرستان پارس آباد، دهستان تازه کند و ساوالان از حیث رفاه اجتماعی در رده اول و دوم و قشلاق غربی در رده آخر قرار دارد.

جمع بندی و نتیجه‌گیری:

در نهایت، در زمینه ارتباط توسعه با جامعه روستایی می‌توان گفت، توسعه روستایی نگرشی همه جانبه و فرآیند افزایش انتخاب مردم، گسترش دموکراتیک، تواناسازی مردم به منظور تصمیم‌گیری برای شکل دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی زنان، فقرا و دهقانان مستقل و آزاد برای سازماندهی فضای زندگی خویش و هم‌چنین تواناسازی برای انجام کار گروهی است. در بستر تفکرات مرتبط با توسعه، رفاه اجتماعی به عنوان عصاره آن تلقی می‌شود و توسعه روستایی با تاکید بر پارادایم توسعه پایدار، درصدد است تا به طور همزمان به موضوعاتی مانند محیط زیست، زندگی، رفاه و بهزیستی انسان روستایی در تعامل با انسان، انسان با مصنوعاتش و انسان با محیطش توجه کند و پاسخ مناسب به فعالیت‌های اقتصادی و پیوند آن با رفاه اجتماعی ارائه دهد. هدف این تحقیق سنجش و اولویت بندی سطح راه اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان پارس آباد بود. هم‌چنین، این تحقیق بر آن بوده است ضمن تبیین رفاه اجتماعی، به تبیین الگویی شفاف در جهت شاخص سازی با رویکرد شاخص‌های کیفی بپردازد و از طریق ارائه مدل تاپسیس فازی، رتبه بندی مناطق روستایی شهرستان پارس آباد را به لحاظ سطوح رفاه اجتماعی به دست دهد و در این میان و در فرآیند تحقیق سطوح رفاه اجتماعی مناطق روستایی شهرستان پارس آباد با شاخص‌های دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، عضویت در تشکل‌های مدنی، بهزیستی فردی و امنیت، پتانسیل طبیعی، میزان درآمد، الگوی مصرف خانوار، سرمایه اجتماعی، رضایت شغلی، وضعیت مسکن، مکان‌گزینی روستا، گذران اوقات و فراغت و میزان مشارکت اجتماعی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت؛ و هم‌چنین، در این ارتباط، نتایج تحقیقات پیشینان وجود رابطه میان رفاه اجتماعی و توسعه مناطق روستایی را تایید کرد.

ارائه پیشنهادها

در نهایت، نتایج حاصل از مطالعات میدانی در نواحی روستایی شهرستان پارس آباد، به عنوان نمونه مطالعاتی نشان داد که روش تاپسیس فازی به عنوان روشی ارزشمند و کارآمد از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه مبتنی بر اعداد فازی، به خوبی توانسته است وضعیت رفاه اجتماعی در منطقه مطالعاتی را تبیین کند، به طوری که یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی و مشاهدات عینی به خوبی با واقعیت‌های موجود مناطق روستایی منطبق بوده است. بدین ترتیب می‌توان از شاخص‌های تحقیق حاضر به عنوان الگویی برای سایر مناطق روستایی در جهت سنجش سطح رفاه اجتماعی استفاده کرد. هم‌چنین می‌توان، با بهره‌گیری از شاخص‌های رفاه اجتماعی، می‌توان به برنامه ریزان توسعه روستایی برای نظارت بر اجتماع روستایی، بازبینی نتایج سیاست‌ها و برنامه‌ها، ارائه برنامه‌های

جدید کمک کرد. در نهایت می‌توان گفت، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی می‌توانند علاوه بر استفاده از روش‌های رایج در تعیین سطوح توسعه، به بهره‌گیری از مدل تاپسیس فازی به مثابه ابزاری مناسب و نسبتاً آسان بپردازند. هم‌چنین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهرستان پارس آباد باید هر چه بیشتر بر دهستان‌های توسعه نیافته تمرکز کنند؛ و درصدد تقویت شاخص‌های رفاه اجتماعی هر چه بیشتر دهستان‌های کمتر توسعه یافته از طریق کشف و شناخت پتانسیل‌های ناشناخته در بخش کشاورزی و ارتباط این بخش با بخش‌های صنعت و خدمات به منظور افزایش بهره‌وری و اشتغال و کاهش بیکاری، تقویت امکانات بهداشتی و درمانی، تقویت امکانات آموزشی و فرهنگی، تقویت امکانات زیر ساختی از جمله آب و برق و راه‌های ارتباطی، ارتقای مهارت‌های شغلی در بخش‌های مختلف و به ویژه بخش کشاورزی از طریق سازمان‌هایی مانند جهاد کشاورزی و غیره باشند و در توزیع اعتبارات و بودجه، روستاهای توسعه نیافته را در اولویت قرار دهند و در تعیین سطوح توسعه‌یافتگی، بر شاخص‌های کیفی بیشتر تاکید شود.

منابع

- ۱- پورطاهری، مهدی، (۱۳۸۹) کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در جغرافیا، انتشارات سمت، تهران، ص ۲۰۲.
- ۲- پورطاهری، مهدی، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، رحمتی، مهدی، (۱۳۹۰)، نقش دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستاییان، مطالعه موردی: دهستان میان کوه غربی-شهرستان پلدختر- استان لرستان، سال ۱۶، شماره ۴۲، ص ۵۲.
- ۳- تقوایی، مسعود، زنگی آبادی، علی، وارثی حمید رضا، و محمود اکبری، (۱۳۹۰)، سنجش رفاه در کلان‌شهر شیراز با استفاده از شاخص‌های کلارک و تابع رفاه اتکینسن، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۸، ص ۷۲.
- ۴- تقوایی، علی اکبر، محمودی نژاد، هادی، (۱۳۸۵)، توسعه پایدار شهری و رفاه اجتماعی شهروندی، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۳۶.
- ۵- توکلی، مرتضی، (۱۳۸۲)، تحلیل فضایی رفاه اجتماعی روستایی و ارائه الگوی بهینه آن، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- جهان بین، رضا، نوری، عزیز، (۱۳۹۲)، رفاه اجتماعی، بستر تحقق توسعه پایدار شهری، راه ابریشم، نشریه وزارت راه و شهرسازی، سال هیجدهم، شماره ۱۳۳، ۴۴.
- ۷- حیدری ساربان، وکیل، (۱۳۹۲)، تبیین عوامل موثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی، مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی.

- ۸- ربانی، رسول، کلانتری، صمد، قاسمی، وحید، عریضی، فروغ السادات و رضا اسماعیلی، (۱۳۸۷)، **بررسی رابطه رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه، مطالعه موردی: شهرستان استان اصفهان**، جلد بیست و نهم، شماره ۱، ص ۳۲.
- ۹- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، فتاحی، احدالله، و مجتبی حاجی پور، (۱۳۹۰)، **ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان استان لرستان**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۶، صص ۹۴-۶۹.
- ۱۰- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، توکلی، مرتضی، (۱۳۸۲)، **رفاه اجتماعی روستاییان، رویکردی شناختی در تبیین معرف‌ها**، مجله مدرس، دوره ۷، شماره ۲، ص ۶۲.
- ۱۱- زاهدی اصل، محمد، (۱۳۸۲)، **مبانی رفاه اجتماعی**، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۲۰.
- ۱۲- طراز کار، محمد حسن، زیبایی، منصور، (۱۳۸۳)، **بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری، مطالعه موردی: استان‌های فارس، اصفهان و سمنان، اقتصادی کشاورزی و توسعه**، سال دوازدهم، شماره ۴۸، ص ۱۳۸.
- ۱۳- عمرانی، محمد، فرج زاده، ذکریا و مجید دهمرده، (۱۳۸۸)، **عامل‌های تعیین کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه سیستان**، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۱، شماره ۲.
- ۱۴- عینالی، جمشید، (۱۳۸۰)، **ارزیابی نقش مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی در توسعه روستایی (رفاه اجتماعی) مطالعه موردی، روستاهای سنجاس، کرس و گرماب-شهرستان خداآهنده**، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۷۱.
- ۱۵- فیض زاده، علی، مدنی، سعید، (۱۳۷۹)، **تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی: شاخص شناسی برای تبیین و سنجش**، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم.
- ۱۶- کرمی، قاسم، لطفی، محمدصادق، (۱۳۸۷)، **عدالت اجتماعی در برنامه ریزی فضای جغرافیایی، عدالت اجتماعی، تهران**، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ۱۷- لطیفی، غلامرضا، سجاسی قیداری، مجید، (۱۳۹۰)، **رتبه بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان با استفاده از تکنیک تاپسیس**، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۸، ۱۷۳.
- ۱۸- میجلی، جیمز، (۱۳۷۸)، **رفاه اجتماعی در جهان**، ترجمه محمد جغتایی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی.
- ۱۹- نوری، مرضیه، (۱۳۸۰)، **ارزیابی عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی در رفاه اجتماعی روستاییان، مطالعه موردی: روستاهای کورده**، امام تفی و دهستان شهرستان مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۷۱.
- ۲۰- یزدانی، فرشید، (۱۳۸۲)، **مفاهیم بنیادی در مباحث در رفاه اجتماعی**، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی.

۲۱- یوسفی شیخ رباط، محمد رضا، (۱۳۸۴)، **بررسی تغییرات سطح رفاه اجتماعی مناطق شهری و روستایی**، فصلنامه اقتصادی، ش ۱، ص ۱۸-۳.

22. Barry,N,(1999), **Welfare**, Buckingham, Open University Press.
23. Moore, S,(2002), **Social Welfare, ALIVE, 3th Edition**, University of Chicago.
24. Hewston,B&Storbe, W,(2001), **Introduction to social psychology**, Blackwell, Publishers, Third Editon.
25. Midgely, J,(2000), **Context of welfare theory, a develop mentalist in perpetrating**, Center For Developmentm Washington, Uinversioty Pup.
26. Fitzpatrick, T, (1993),**Welfare Theory an Introduction**, Manchester, Manchester University Press.
27. Werner, H,(2000,) **Analysis of Sustainable Development and Social Welfare**, Switzerland", Ecological Economics, Vol.5, No.32, pp. 481-483.
28. Ramsey, D, & Smit, B, (2007), **Rural Community Well-being: Models and Application to changes in the Tobacco-belt in Ontario**, Geoforum, Vol.6, No.33, pp. 367-370.
29. Bullock, B,C, Sucie, J,(2004), **An analysis of technology use and quality of life in a rural community**, University of Texas.
30. Vouvaki, D, & Anastasios X, (2008), **Changes in rural Social Welfare and Sustainability: Theoretical Issues and Empirical Evidence**; Ecological Economics , Vol.4, No.5, p. 67.
31. Paul,A,K,Kumar,U,C,(2005), **Quality of life concept for the evaluation of societal development of rural community in West Bengal**, India, Rural Development, Vol(4) ,No.3.